

نشست متفاوت و خاص سران سازمان همکاری شانگهای

حاشیه‌های مهم‌تر از متن در اجلاس تیانجین

چین در حالی امسال از نشست سران کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای میزبانی می‌کند که نازندرا مودی برای اولین بار از سال ۲۰۱۸ به این کشور سفر کرده و هند با تعرفه‌های تنبیهی ۵۰ درصدی از سوی آمریکا مواجه شده تا از همکاری با روسیه در زمینه انرژی دست بردارد. سیاست تعرفه‌ای ترامپ که حتی اولویتی مانند مهار چین از طریق همکاری با شرکای آسیایی آمریکا را نیز نادیده گرفته، هند را واداشته تا به دنبال تقویت روابط و همکاری‌های خود با چین و سایر بازیگران منطقه‌ای باشد. در شرایطی که بسیاری از کشورهای جهان از تعرفه‌های ترامپ زخم خورده‌اند و کشورهای جنوب جهانی به شدت از نادیده گرفته شدن جانیات‌های اسرآنیل در نوار غزه توسط غرب ناراضی‌اند، چین نشست شانگهای را فرصتی دید تا خود را به عنوان یک نیروی ثبات‌ساز و قدرت‌بیدیل قدرت‌های غربی به ویژه ایالات متحد معرفی کند. لیوین، دستیار وزیر امور خارجه چین هفته‌گشته پیش از آغاز نشست سازمان همکاری شانگهای در این باره گفته بود: «نشست پیش رو، یکی از مهم‌ترین نشست‌های سران است که پس از مسامبر ۲۰۲۴، اعضای سازمان همکاری‌های شانگهای سهم ۲۳ درصدی از تولید ناخالص جهانی دارند و ۴۳ درصد جمعیت جهان در این کشورها زندگی می‌کنند.

نظم متفاوت در جهان

صحنه‌های شنی چین بیگ در روز دوشنبه یک سپتامبر در جمع حاضران در بیست و پنجمین نشست سران سازمان همکاری‌های شانگهای به خوبی نگاه‌پکن به جهان و کارکرد این سازمان را نشان می‌داد. شی در این سخنرانی، چین را طرفدار یک نظم نوین امنیتی و اقتصادی در جهان معرفی کرد که به خلاف نظم کنونی، توسعه «کشورهای جنوب جهانی» را در اولویت قرار می‌دهد. او با کنایه‌ای آشکار به ایالات متحده و سیاست‌های اقتصادی این کشور گفت: «ما باید همچنان موضوعی شفاف علیه هژمونی و سیاست‌های زورمدرانه اتخاذ کرده و چندجانبه‌گرایی واقعی را به کار بندیم.» رئیس‌جمهور چین اعلام کرد که پکن قصد دارد ایجاد یک بانک توسعه را تسریع کرده و یک بستر بین‌المللی برای همکاری در زمینه انرژی تأسیس کند. به گفته او، چین برنامه تأسیس این بانک را به زودی آماده خواهد کرد و قرار است در این چارچوب طی سه سال آینده حدود ۴۰ میلیارد دلار وام در اختیار سایر اعضای سازمان همکاری‌های شانگهای قرار دهد. شی همچنین گفت که راه را برای استفاده کشورهای عضو سازمان از سامانه ماهواره‌ای «بی‌دو»، چین، که جایگزینی برای سامانه «جی‌پی‌اس» تحت کنترل آمریکا است، باز می‌کند. شی، که همواره علیه آنچه «ذهنیت جنگ سردی» می‌خواند صحبت کرده، گفت: «سایه‌های ذهنیت جنگ سردی و زورگویی از بین نرفته‌اند. او افزود: «جهان وارد دوره جدیدی از تغییرات پرآشوب شده و حکمرانی جهانی به یک چهارراه جدید رسیده است.» یوتین، رئیس‌جمهور روسیه و رهبر دومین قدرت بزرگ عضو سازمان همکاری شانگهای ضمن حمایت از ابتکارات شی، گفت که معتقد است این سازمان «می‌تواند نقش پیشرو را در تلاش‌های برای شکل دهی به یک نظام حکمرانی جهانی عادلانه‌تر و برابرتر در جهان ایفا کند.» از زمان آغاز حمله نظامی روسیه به اوکراین، مسکو تحت تأثیر تحریم‌های گسترده غرب با مشکلات اقتصادی زیادی مواجه شده و راه حل‌های فشارهای اقتصادی غرب را همکاری بیشتر با شرکای غیر غربی به ویژه چین و هند می‌داند. چین و هند، به عنوان بزرگ‌ترین خریداران نفت و گاز از روسیه، نقش بسیار پررنگی در تأمین بودجه این کشور و مقاومت روسیه در برابر تحریم‌های اروپایی و آمریکایی داشته‌اند.

خواسته‌های ایران

ایران مسیر بسیار پربلیج و خمی را در دهه‌های عضویت در این سازمان همکاری پیموه است. ایران برای اولین بار در سال ۲۰۰۴ درخواست حضور به عنوان عضو ناظر در این سازمان را ثبت کرد و یک سال بعد در جولای سال ۲۰۰۵ اعضای دائم سازمان همکاری‌های شانگهای در نشستی که در آستانه برگزار می‌شد، حضور ایران به عنوان عضو ناظر را تأیید کردند. در سال ۲۰۰۸ تهران درخواست کرد تا به عضو دائم سازمان همکاری‌های شانگهای تبدیل شود، اما کشورهایی که چین، ازبکستان و قزاقستان در آن زمان نگران بودند چنین اتفاقی، وضعیت بین‌المللی سازمان همکاری شانگهای را تضعیف کند؛ چرا که برنامه هسته‌ای ایران باعث شده بود روابط ایران و غرب متشنج شود و ایران دلیل هفتم منشور ملل متحد قرار گیرد. این نگرانی موجب شد اعضای SCO در نشست سال ۲۰۱۰ در تاشکند مصوب کنند که هر کشوری مشتاق عضویت کامل در این سازمان بین‌المللی است، نباید مشمول تحریم‌های سازمان ملل متحد باشد. پس از امضای توافق برجام شرایط متفاوتی پدید آمد. در این حال پکن مایل نبود شانگهای به عنوان سازمانی در ضدیت با غرب و ایالات متحده مطرح شود. سرانجام سند عضویت دائم ایران از سوی اعضای سازمان همکاری‌های شانگهای در سال ۲۰۲۱ تأیید و ایران به عضو رسمی این سازمان همکاری تبدیل شد. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران در نشست شانگهای با ارائه پیشنهاد مشخص شامل «گسترش تسویه با ارزهای ملی و کاهش وابستگی به دلار در مبادلات اعضا، راه‌اندازی زیرساخت‌های دیجیتال مشترک و استفاده از ارزهای دیجیتال بانک‌های مرکزی برای پرداخت‌های امن و سریع، ایجاد صندوق سوآپ ارزی چندجانبه به منظور حمایت از کشورهایی که در معرض فشارهای تحریمی یا بحران‌های نقدینگی قرار دارند»، کوشید تا سایر بازیگران را به اقداماتی عملی تر فرا بخواند. هرچند به نظر می‌رسد سایر اعضای شانگهای بی‌تأمیل به اتخاذ راهبردهایی برای کم‌انزتر کردن فشارهای اقتصادی ایالات متحده نباشند اما تفاوت سطح فشار اعمال شده بر اعضا از سوی آمریکا و همچنین اولویت داشتن موضوعات دیگر باعث می‌شود تا سایر کشورها فوریتی در به کار بستن این راهبردها احساس نکنند. در مقابل، ایران‌که آتش بسی شکننده را با اسرائیل تجربه می‌کند و همزمان در آستانه قرار گرفتن دوباره ذیل فشار هفتم منشور ملل متحد قرار دارد، نیاز دارد هرچه سریع‌تر راهکارهایی را برای کاهش فشار بیابد. این شرایط باعث می‌شود نیاز ایران به راه‌حل‌ها و ابتکارات جدید برای مقابله با فشار اقتصادی، سیاسی و نظامی دست کم در کوتاه‌مدت از طریق سازمانی مانند شانگهای قابل رفع نباشد.

امیررضا واعظ‌آشتیانی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

کشور باناترازی مدیریتی مواجه شده است



برخی تلاش می‌کنند بحران مدیریت کشور را پنهان کنند

تحریم‌ها برای ایران تهی از معنا و مفهوم شده است

کسی تحریم‌ها را برای سال‌ها بعد رزرو نکرده است



آرمان ملی – احسان انصاری: پس از فعال شدن مکانیسم ماشه توسط کشورهای اروپایی گمانه‌زنی و دیدگاه‌های مختلفی درباره این موضوع در کشور به وجود آمد. برخی این اقدام کشورهای اروپایی را بی‌اهمیت و در راستای تحریم‌های گذشته علیه ایران تفسیر کردند و برخی نیز این اقدام را در شرایط کنونی و با توجه به بحران‌های مختلف در کشور همراه با مخاطراتی می‌دانستند. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که جامعه و افکار عمومی با چشم انداز مشخص نسبت به آینده مواجه نیستند که این موضوع روی وضعیت کسب و کارها و زندگی مردم تأثیرگذار بوده است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم‌ترین پیامدهای مکانیسم ماشه و نحوه مقابله با آن با امیررضا واعظ‌آشتیانی معاون پیشین وزارت صمت و فعال سیاسی اصولگرا گفت‌وگو کرده است. واعظ

فعال شدن مکانیسم ماشه چه تأثیری بر وضعیت اقتصادی کشور خواهد گذاشت؟

پس از فعال شدن مکانیسم ماشه دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه مطرح شد. برخی عنوان می‌کردند که تحریم‌ها مربوط به دوران احمدی نژاد است. این در حالی است که تحریم‌ها را کسی رزرو نمی‌کند که چند سال بعد مورد استفاده قرار بدهد. نکته دیگر اینکه از چهار دهه‌گفته‌شده کشور با تحریم‌های زیادی مواجه بوده که تحریم‌های آمریکا علیه ایران گسترده‌ترین نوع تحریم بوده است. پس از آن تحریم‌های کشورهای اروپایی نیز به شکل‌های مختلف علیه ایران وجود داشته است. کشور نیز در مقابل این تحریم‌ها مقاومت کرده و با سازوکاری که طراحی کرده موفق شده آثار تحریم‌ها را کاهش بدهد. جمهوری اسلامی با همین رویکرد و روش توانست در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با صلابت در مقابل آمریکا و اسرائیل ایستادگی کند و دشمن را به غلط کردن بیندازد. به همین دلیل نیز باید عنوان کرد تحریم‌ها دیگر برای کشوری مانند ایران تهی از معنا و مفهوم شده و ایران در سال‌های اخیر با انواع و اقسام تحریم‌ها مواجه بوده است. به همین دلیل نیز در شرایط کنونی این پرسش مطرح است که آمریکا و غرب قرار است چه تحریمی علیه ایران اعمال کنند که تاکنون نکرده‌اند؟ امروز کسانی که همواره نسخه‌هایی که برای کشور پیچیده به نتیجه نرسیده‌اند، و در واقع به‌کاران همیشه طلبکار محسوب می‌شوند، مدعی‌اند که با فعال شدن مکانیسم ماشه وضعیت اقتصادی کشور بدتر خواهد شد و به همین دلیل به دنبال ارائه نسخه‌های جدیدی هستند. نسخه‌هایی که این افراد برای کشور پیچیده‌اند که همواره نیز مبتنی بر آزمون خطا بوده باعث شده امروز اقتصاد ایران به یک کلاف سردرگم تبدیل شود.

رویکرد آزمون و خطا در اقتصاد در دولت پزشکیان نیز ادامه داشته است؟

امروز برای مدیریت اقتصاد دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و افراد متعددی تلاش می‌کنند برای وضعیت کنونی راه حل ارائه کنند و اغلب این راه‌ها مبتنی بر آزمون و خطاست که در گذشته جواب نگرفته است و دوباره در حال تکرار شدن است. واقعیت این است که تحریم‌هایی که امروز به آن دامن زده می‌شود بیستر جنبه روانی دارد و آمریکا و کشورهای غربی تلاش می‌کنند با استفاده از رسانه‌هایی که در اختیار دارند این جنبه‌های روانی این موضوع دامن بزنند. البته برخی رسانه‌های داخلی نیز خواسته یا ناخواسته در این زمینه بازی می‌کنند. ما نباید نسبت به ناآرامی‌های در حوزه‌های مختلف بی‌توجه باشیم و به این نکته توجه کنیم که عدم جلالی در تصمیم‌گیری و اجرا و همچنین عدم نظارت و کنترل در حوزه‌های مختلف برای کشور چالش ایجاد کرده است. اگر قرار بود کشور با تحریم‌های جدید به زانو در نیاید این اتفاق باید در چهار دهه‌گفته‌شده رخ می‌داده است. این در حالی است که نه تنها این اتفاق رخ نداده و بلکه در طول این سال‌ها راه‌های بیشتری برای

آشتیانی در این زمینه معتقد است: «اینکه عنوان کنیم کشور با بحران‌های مختلف مواجه است و یا بحران‌های نداشته‌ها مواجه هستیم بی‌انصافی است. واقعیت این است که ما با بحران مدیریت مواجه هستیم و به بحران‌های دیگر، هنگامی که توانایی مدیریت وجود نداشته باشد در زمینه‌های مختلف بحران تولید می‌کند. هنگامی که با مدیرانی مواجه هستیم که در پاسخ به سوال اینکه دو ضربدر دو چند می‌شود عنوان می‌کند هر آنچه شما بفرمایید شرایط به همین صورت خواهد بود. برای عبور از مشکلات امروز و تقویت مدیریت کشور نیاز به احزاب قوی و کارآمد و بازریساخت‌های لازم است. کادرسازی و مدیرساز و وظیفه دولت نیست و بلکه وظیفه احزاب است که می‌توانند دولت‌های در سایه در زمینه‌ها و تخصص‌های مختلف ایجاد کنند.» در ادامه محصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

حزب که مردم به آن اعتماد دارند تقویت شود و نقاط ضعف به صورت مرتب به مدیران دولتی گوش‌زد شود. در همه کشورهای جهان نیز همین وضعیت وجود دارد. این در حالی است که دولت‌هایی که در ایران سر کار می‌آیند نه برنامه دارند و به برنامه‌های چشم انداز توسعه توجه می‌کنند و بیشتر به دنبال این هستند که چرخ را دوباره اختراع کنند. برخی از دولت‌های نیز با این توهم به سر برده‌اند که خودشان مخترع چرخ بوده‌اند و هر آنچه که انجام می‌دهند بهترین عملکرد است. این وضعیت در دولت آقای روحانی وجود داشت و در این دولت تصمیماتی گرفته شد که پیامدهای آن تا به امروز در کشور وجود داشته است. آقای ظریف که وزیر خارجه دولت آقای روحانی بوده عنوان می‌کرد که در برجام چیزی به نام مکانیسم ماشه وجود ندارد. به هر حال امروز باید ایشان پاسخگو باشد که چرا مکانیسم ماشه علیه ایران فعال شده است؟ همین افراد امروز طلبکار هستند. امروز فردی مانند بابک زنجانی پیدا شده که با آن سابقه کیفری، برای مدیران کشور شاخ و شانه می‌کشد که من معتقدم نباید چنین اجازه‌ای داد. در واقع به‌کاران دیروز به طلبکاران امروز تبدیل شده‌اند.

با توجه به شرایط موجود معتقدید چه باید‌ها و نباید‌هایی باید در شرایط خلیتر کنونی در دستور کار تصمیم‌گیران جامعه قرار بگیرد؟

امروز عنوان می‌شود که با بحران ناترازی مواجه هستیم. هنگامی که مدیران کشور به دنبال از نو ساختن چرخ هستند و مرتب آزمون و خطا می‌کنند باید با چنین وضعیتی مواجه شوم. در واقع آنچه به عنوان ناترازی انرژی نامیده می‌شود مشکل کشور نیست و بلکه مشکل اصلی کشور ناترازی مدیریتی است. ما همه نوع منابع و ظرفیت در کشور داریم، اما با سوءمدیریت که برخی تلاش می‌کنند آن را پنهان کنند و آن را مباحث زیرساختی ارتباط بدهند شرایط به این نقطه رسیده است. در رویکرد عقلانی نباید منافع ملی و جمعی فدای منافع عده‌ای خاص شود. هنگامی که رئیس‌جمهور به صورت علنی و در رسانه مشکلات را با گفتمی‌کند که مایر ق و آب و گاز نداریم چه برداشتی از این موضوع در جامعه ایجاد خواهد شد؟ آیا این شفاف‌سازی و صداقت است و یا دستاویزی برای دشمن خواهد شد که روی این موضوع کار کنند. آیا مطرح شدن این مسائل از زبان مقام اول اجرایی کشور آن هم در شرایطی که کشور تنها دو ماه از یک جنگ ۱۲ روزه تحمیلی عبور کرده با زتاب خوبی در بین افکار عمومی خواهد گذاشت؟ البته قرار نیست عنوان شود همه چیز عالی است و کشور در بهترین شرایط است اما قرار هم نیست همه مشکلات را جاز بزنیم تا زمینه سوءاستفاده برخی فراهم شود. جاز زن این موضوع بجز احتمال سوءاستفاده دشمن در جامعه نیز یأس و ناامیدی ایجاد می‌کند. امروز کشور در شرایطی قرار گرفته که ما باید به مردم امید بدیم و آنها را نسبت به آینده امیدوار کنیم. من موضوعات و مشکلات مهم کشور را نمی‌کنم اما معتقدم ادامه رویکردی نیز به سود کشور نخواهد بود.

بانک مرکزی و ارزش پول ملی

بانک ناتوان است. اگر سیاست‌های این بانک کارایی داشت لااقل در سال اول مدیریت ایشان اثرش پدیدار و جلوی رشد نرخ ارز گرفته می‌شد و لیکن مثل اینکه افزایش قیمت دلار به امری عادی و طبیعی تبدیل شده و تحرکی که جلوی این روند را بگیرد مشاهده نمی‌شود، البته گاهی صرفاً حرف‌هایی می‌زنند ولی در عمل عکس آنها اتفاق می‌افتد؛ به هر حال دین و دنیای مردم به هم مربوط است، نمی‌شود از مردم انتظار دینداری داشت ولی معیشت و زندگی مردم را تباه کرد؛ ریاست جمهوری باید در این مسئله مدیران شایسته‌ای بیابند و فرجی ایجاد شود؛ واقعیت این است که ریاست بانک مرکزی در این سه سال بسیار ضعیف عمل کرده و ثابت شده که از عهده‌ی اداره مطلوب این

هزار تومان برگرداند لااقل در همان سطح نگه می‌داشتند ولی این رشد عجیب که لطمه‌ای سنگین به اقتصاد و معیشت مردم است همچنان ادامه دارد.

در این شرایط پرواضح است که مسئولان بانک مرکزی در حفظ و حراست از ارزش پول ملی ناتوان هستند و قطعاً باید در پیشگاه ملت پاسخگو باشند حتی اگر در این دنیا مواخذه‌ای در کار نباشد، قطعاً در عالم آخرت حساب و کتابشان در فقیر کردن مردم بسیار سنگین است. جای تعجب است پس از اثبات این همه ناتوانی چرا این مسئولان استعفا نمی‌دهند تا شاید مدیران شایسته‌ای بیابند و فرجی ایجاد شود؛ واقعیت این است که ریاست بانک مرکزی در این سه سال بسیار ضعیف عمل کرده و ثابت شده که از عهده‌ی اداره مطلوب این

و کارخانه دار و سرمایه‌گذار تأثیر بسیار منفی دارد و قدرت خرید مردم را کاهش داده و تورمی را به جامعه تحمیل می‌کند که سود آن تنها به ثروتمندان می‌رسد و آنها را ثروتمندتر می‌کند و طبقه متوسط را فقیر و زندگی فقرا را هم روزبه روز سخت‌تر می‌کند.

در حقیقت ضرر افزایش نرخ ارز به اکثریت ملت می‌رسد که با ریال سروکار دارند و ارزش پولشان کاسته می‌شود و قدرت خرید و امرار معاش را از دست می‌دهند. ریاست فعلی بانک مرکزی از ۸ دی ماه ۱۴۰۱ آغاز به کار کرده است یعنی زمانی که دلار در حدود ۴۰ هزار تومان بوده و در مدت تقریباً سه ساله ایشان ۶۶ هزار تومان به ارزش دلار اضافه شده است و حال آنکه انتظار می‌رفت ایشان اگر نمی‌تواند دلار را به نرخ‌های زیر ۴۰



م‌رضی نجفی‌قدسی

پژوهشگر و فعال رسانه

در روزهای اخیر نرخ دلار به صورت سرسام آوری افزایش پیدا کرد و به مرز ۱۰۶ هزار تومان رسید و همین موضوع تقریباً کلیه فعالیت‌های اقتصادی خرد و کلان را تحت تأثیر قرار داده و بقولی متوقف کرده است تا مینا و پایه پولی را مشخص شود. وظیفه اصلی بانک مرکزی حفظ و حراست از ارزش پول ملی است، اما متأسفانه این بانک تاکنون نتوانسته است به وظیفه‌اش عمل کند و مخصوصاً در سه سال اخیر رشد نرخ ارز به صورتی لجام‌گسیخته بوده است و این ماجرا در تمام زندگی آحاد مردم از روستایی و شهری و از کارگر و کشاورز و بازاری و کارمند

اهمیت گفت‌وگوهای منطقه‌ای



محمد مهدی مظاهری

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

تأییش از حمله غیر مشروع رژیم اسرائیل و آمریکا به مراکز هسته‌ای و نظامی کشورمان، دستگاه دیپلماسی کشور سیاست منطقه‌ای فعال و چند جانبه‌ای در پیش گرفته بود تا با در جریان قرار دادن کشورهای مهم و اثرگذار منطقه از جمله عربستان سعودی از سیر و روند مذاکرات هسته‌ای با آمریکا، اعتماد و همراهی آنها با این فرایند دیپلماتیک را جلب و حفظ کند، سیاستی که ظاهر نتیجه بخش هم بود و برخلاف دوره‌های گذشته که احتمال همکاری این کشورها با هر نوع حمله به تأسیسات هسته‌ای کشورمان در سطح بسیار بالایی قرار داشت. در این مقطع شاهد محکومیت یک‌دست حمله رژیم اسرائیل به کشورمان از سوی شورای همکاری خلیج فارس بودیم. با این وجود، پس از وقوع حمله و البته پایان آن، سطح تلاش‌ها و رایی‌های دیپلماتیک منطقه‌ای تا حدی فروکش کرد. البته این کاهش تا حدودی منطقی است و می‌تواند به دلیل انتظار برای تثبیت شرایط و رازیابی مجدد محاسبات منطقه‌ای باشد. همچنین پس از حمله، اولویت‌های نظامی – امنیتی ایران به سمت تقویت بازدارندگی نظامی و کسب ابرازگی‌های دفاعی بیشتر تغییر کرد. ضمن اینکه به نظر می‌رسد عدم موفقیت تلاش‌های میانجیگرانه کشورهایی مانند عمان، عربستان، عراق و قطر، در جلوگیری از حمله اسرائیل و مشارکت «ظاهر غیرارادی» عراق در این تجاور نیز، در کاهش اعتماد دستگاه دیپلماسی ایران به این کانال‌های دیپلماتیک برای حل و فصل واقعی بحران، مسأله‌ای مهم و جدی بوده است. در چنین شرایطی، تا حدی طبیعی است که تمرکز از دیپلماسی فعال منطقه‌ای به سیاست‌های بازدارنده منتقل شده باشد.

با این وجود، به نظر می‌رسد رویکرد کشورهای منطقه به ویژه عربستان سعودی و فعالیت‌های منطقه‌ای آنها نباید از رصد دستگاه دیپلماسی کشور خارج شود. در این میان، نقش و جایگاه عربستان سعودی اهمیت ویژه دارد و به تحلیلگران عرصه روابط بین‌الملل پوشیده نیست که این کشور در سال‌های اخیر، سیاست خارجی خود را با تمرکز بر کاهش تنش و دیپلماسی فعال در عرصه جهانی و منطقه‌ای تنظیم کرده است. این کشور به‌داز پایان دادن به جنگ فضا‌حت بارین و پشت سر گذاشتن بحران قتل خاشقچی، تلاش کرد تا وجهه تخریب شده خود را ترمیم و از این طریق به رشد اقتصاد خود کمک کند. رویکرد اصلی این کشور در راستای تحقق این هدف، در سال‌های اخیر عبارت بود از کاهش تنش با ایران و توسعه روابط، در حالی که رابطه ایران و عربستان تا مرز تنش‌های جدی پیش رفته بود و مقامات این کشور به طور علنی از ایجاد تنش و مقامات ایرانی در این حمایت می‌کردند، مقامات سعودی این سیاست را در تضاد با هدف رشد اقتصادی خود ارزیابی کرده و به سمت رفع تنش با ایران تغییر جهت دادند. در دو سال اخیر با تبدلات دیپلماتیک مثبت بین طرفین تقویت شده است. هدف عربستان از این سیاست، کاهش تهدیدات احتمالی و ایجاد یک فضای باثبات برای اجرای پروژه‌های اقتصادی بلندپروازانه خود، به‌ویژه در چارچوب چشم‌انداز ۲۰۳۰ است. عاده سازی روابط با اسرائیل، اگرچه فرآیند عادی سازی روابط با اسرائیل به دلیل جنگ غزه و جنایت‌بی حد و حصر اسرائیل در این باره که علیه مردم و غیرنظامیان فلسطینی، باجالتش‌هایی روبه‌رو شد، اما ریاض همچنان به عنوان یک هدف استراتژیک به آن می‌نگرد. ریاض با وجود تمایل به دریافت امتیازات امنیتی و اقتصادی از آمریکا و به‌ویژه برای از مزیای عادی سازی روابط با رژیم اسرائیل، از شتاب در این مسأله پرهیز می‌کند. این کشور برای حفظ وجهه خود در عرصه داخلی و در بین کشورهای اسلامی، تلاش دارد در شرایطی بیمان ابراهیم بیبوند که بتواند نشان دهد نزدیکی به اسرائیل نه خیانت، بلکه ابزاری برای پیشبرد آرمان فلسطین است و از این مسیر، مشروعیت و لعیهد را تقویت کند. در این راستا، عربستان برای این عادی سازی، پیش‌شرط‌هایی همچون تشکیل دولت فلسطین را مطرح کرده و تلاش دارد تا در مذاکرات صلح نقش فعال تری ایفا کند و رهبری کشورهای اسلامی در این حوزه را به دست بگیرد. میانجی‌گری در بحران‌های منطقه‌ای، عربستان در طول سال اخیر به عنوان یک میانجی فعال در بحران‌های منطقه‌ای ظاهر شده است. این کشور در سال ۲۰۲۳، میزبان مذاکرات میان طرف‌های درگیر در سودان بود. ریاض همچنین تلاش‌هایی برای میانجیگری و برقراری آتش‌بس در غزه انجام داد و به صورت علنی بر حمایت از تشکیل دولت مستقل فلسطینی تأکید کرد. عربستان سعودی همچنین به دنبال افزایش نفوذ جهانی خود با میانجیگری در مناقشات کلیدی، از جمله مذاکرات هسته‌ای آمریکا و ایران و تلاش‌های صلح روسیه و اوکراین، بوده است. دیپلماسی اقتصادی ریاض با درک اینکه ثبات اقتصادی می‌تواند به ثبات سیاسی منجر شود، بر دیپلماسی اقتصادی تمرکز کرده است. سرمایه‌گذاری‌های عظیم در کشورهای مانند چین، آمریکا، بریتانیا، عراق، سوریه و مصر، آفریقای، بخشی از این استراتژی است. همچنین این کشور، دنبال جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشورهای مانند چین، هند و ایالات متحده در داخل عربستان نیز هست تا به اهداف اقتصادی خود در چشم‌انداز ۲۰۳۰ دست یابد. هدف همه این تحرکات، تبدیل شدن به یک مرکز اقتصادی غیرنفتی و متنوع سازی منابع درآمدی این کشور است.